



انقلابِ اکتبر و هنرمندان
کامیلا گری / سیما کوبان



کتاب

پیرایه

جلد دوم

گلستان لیلی	خوشدل گیتی	ابوالحمد عبدالحمید
مجبانی جواد	دهباشی علی	اخوان ثالث مهدی
میلوش جسلاو	سبانلو م.ع	امروز م
ناستین	سمندریان جمید	بول هتربش
نرودا بابلو	شجریان محمد رضا	بهبانی سمن
نصرت زاده د	شولتز دوآن	بیضانی بهرام
نوری علا پرتو	فرخ ر	برهام باقر
ونوق احمدی ا	کریمی حکاک احمد	برهیب ا
ورجاوند پرویز	کفایشان آذر	پست ملکوم
هاتفی صادق	کوبان سیما	خللی عظیم
	گوری کامیلا	خونی اسماعیل

فهرست مطالب

صفحه	مترجم	نویسنده	
مقاله			
۶		باقر پرهام	ماکس وبر و نظریه قدرت
۲۱	گیتی خوشدل	دوآن شولتز	انسان از خود فرارونده
۳۵	ر. فرخ	چسلاو میلوش	خطابه نوبل
۴۴	سیما کوبان	کامیلا گری	انقلاب اکتبر و هنرمندان
قصه			
۶۲		پرویز ورجاوند	حفاری قاچاق و حضرت والا
۷۱		جواد مجابی	اسفندیار غایب
شعر			
۸۲		مهدی اخوان ثالث	مرد و آزادی
۸۸		مهدی اخوان ثالث	آه
۸۹		سیمین بهبهانی	نگاره گلگون
			درخانه زمین - مفهوم نابهنگامی
			و همچنان - اندرز پیر دانستن
۹۰		اسماعیل خوئی	شعری به شکل پایان
۹۶		م. ع. سپانلو	برگ اول کتاب
۱۰۲		م. امروز	شب
۱۰۳		عظیم خلیلی	برآستانه
۳۴ ۱۰۴ ۱۰۸		ا. وثوق احمدی	چند دو بیتی
۱۰۵	لیلی گلستان	پابلو نرودا	رهائی بخش
نمایشنامه			
۱۰۹	حمید سمندریان	هاینریش بول	راهب و راهزن

فیلمنامه

عیار تنها بهرام بیضائی ۱۳۲

گزارش

اندر قضایای "نطق باشکوه
آقای اسکندری"
صادق هاتفی ۱۸۶

یادنامه

سخنی باید گفت پرتو نوری علاء ۱۹۲
در سوک تاج اصفهانی
بزرگ مرد آواز ایران محمدرضا شجریان ۲۰۰
یادواره‌ای برای اسماعیل
شاهرودی "آینده" ا. پرهیب ۲۰۸

جراغ و کتاب

جهان برگرده‌های ما ملکوم بیت احمدکریمی حکاک ۲۱۴

تقدو معرفی کتاب

قصه یک نسل عبدالحمید ابوالحمد ۲۱۹
دوشهادت نامه از جهان کارگران ناستین ۲۳۵
آشفتگی در فکر تاریخی احمدکریمی حکاک ۲۴۰
شعر شهادت است ا. پرهیب ۲۴۲
یادها د. نصرت زاده ۲۴۳
آخرین وسوسه مسیح آذر کفاشیان ۲۴۴
کتابهای تازه علی دهباشی ۲۴۷

انقلاب اکتبر و هنرمندان

کامیلا گری

ترجمه: سیما کوبان

سخنی با خواننده

"هنر و سوسیالیسم"، "هنر در جوامع سوسیالیستی" و "رتالیسم سوسیالیستی" مباحثی است که در میان هنرمندان و هنردوستان ایرانی (خاصه جوانان) علاقمندان فراوانی دارد؛ ولی متأسفانه مطالب موجود در زمینه‌های یادشده به زبان فارسی بسیار محدود و در عین حال پراکنده است؛ در نتیجه غالباً بحث و گفتگو درباره این‌گونه مسائل از حد شعار و موضع‌گیریهای خصمانه فراتر نمی‌رود و راهی بسوی تحلیل علمی و روشنگر نمی‌گشاید. هدف ترجمه حاضر و ترجمه‌های دیگری که در فرصت‌های بعدی عرضه خواهد شد صرفاً مشارکت در پرگردن این خلاء است؛ که بطور جدی سد راه پژوهشگران ایرانی برای پرداختن به این مباحث است.

درباره وضع هنر و هنرمندان در دهه پس از انقلاب اکتبر، مطالب موجود حتی به زبانهای خارجی نیز بسیار اندک است. نویسندگان بورژوای تاریخ هنر در غرب، بطور معمول فقط از چند هنرمند "پیش‌تاز" روس که در اولین سالهای پس از انقلاب از شوروی مهاجرت کردند و نیز یک یا دو هنرمندی که در شوروی ماندند ولی بکار نقاشی و مجسمه‌سازی ادامه ندادند؛ نام می‌برند و احیاناً تصاویری از آثار آنها را نیز چاپ میکنند. اما بدون هیچ توضیحی درباره چگونگی ماجرا، بلافاصله نتیجه میگیرند که کمونیسم مانع رشد و شکوفائی هنر است! از سوی دیگر هواداران "رتالیسم سوسیالیستی" نیز پس از آنکه هنر و هنرمندان این دوره را به لقب "منحط" مفتخر میکنند با سرعت از این مبحث میگذرند و در فوائد "رتالیسم سوسیالیستی" داد سخن میدهند و به کلی گوئی می‌پردازند! در این میان فقط این خواننده گنجگاو است که با سئوالات بسیاری که برایش مطرح شده؛ بدون دریافت پاسخ، سرگردان میماند.



۲ - عکسی از میزاسین وقایع انقلاب که بوسله التمن و سایر هنرمندان "جبه" در اکتبر ۱۹۱۸ اجراء شد. پشت ترمیم فوقانی نمایندگان اصلی دوما فرار گرفتند و در طرفین آنها "نوکران" تزاری ایستاده‌اند. در باشن ارتش کارگران، کشاورزان و سربازان آماده شده‌اند تا به قصر زمستانی حمله کنند.

میکرد: "کوبیسم^۶ و فوتوریسم سبک‌های هنری انقلابی و نشانه‌های نویددهنده انقلاب سیاسی و اقتصادی سال ۱۹۱۷ بودند"^۷.

بدین‌سان این هنرمندان که در آن دوران "چپ" نامیده می‌شدند، آرزوهای خود را در آرمان انقلاب بلشویکی^۸ باز یافتند و نیروهای سرکوب‌شده خود را در راه تبلیغ دنیای نوینی بکار گرفتند که حس می‌کردند بزودی به آن دست می‌یابند. اینان در این راه آنقدر دل بسته و پرشور گام بر میداشتند که به تبعیت از گفته ماله‌ویچ که: "اندام درخت انقلاب با ساقه تشکیلات رشد می‌کند و باید در باروری شایسته آن مشارکت داشت..."^۹؛ بعنوان ابزار لیاقت خود را اعضای شایسته‌ای در سازماندهی مجدد زندگی هنری کشور میدانستند آنچنانکه اداره امور هنری را بعهده گرفتند. این هنرمندان می‌گفتند: دیگر زمان پرداختن به نقاشی‌های بی‌مصرف سرآمده است. مخصوصا که یک تابلو از این دست، جز یک ابزار نامناسب و ضعیف برای بیان، چیز دیگری نیست (آنهم پر از همانندیهای نفرت‌انگیز با سیستم بورژوازی). حالا دیگر کوچه‌ها، میدانها، و پل‌ها عرصه تاخت و تاز و جولانگاه هنر ما هستند. "ما دیگر به یک معبد هنر که در آن آثار مرده و بی‌مصرف پرستش‌شود نیازی نداریم. آنچه ما به آن نیازمندیم یک کارخانه پرتحرک تفکر انسانی است که جلوه‌گاهش را باید در تراموایها^{۱۰}، کوچه‌ها، خیابانها، خانه‌های کارگر و عرصه‌های کار و زندگی کارگران پیدا کرد"^{۱۱}. این کلمات برگزیده‌ای از سخنان مایاکوفسکی^{۱۲} در کنفرانس سال ۱۹۱۸ بود. در نوامبر این سال توسط "بخش هنرهای زیبای کمیساریای آموزش خلق" که بنام ایزو^{۱۳} از نارکومپروس^{۱۴} معروف بود، یک کنفرانس عمومی "برای توده‌های وسیع زحمتکش" در قصر زمستانی مصادره‌شده برگزار شد^{۱۵}. از قرائن موجود چنین استنباط می‌شود که این کنفرانس که موضوع آن "یک معبد یا یک کارخانه؟" بود با استقبال بی‌نظیری از سوی مردم نیز مواجه بوده است.

6. Cubisme

۷- نقل قول ماخوذ از: *0 Novikh sistemakh v iskusstve*، ویتسک، ۱۹۲۵.

8. Bolchévique

۹- نگاه کنید به یادداشت شماره ۷.

10. Tramway

۱۱- "Meeting ob iskusstve" در *Iskusstvo Kommouni*،

شماره ۱، ۷ دسامبر ۱۹۱۸.

12. Maïakovski

13. IZO

14. Narkompros

۱۵- کلمات اختصاری مانند ایزو از مشخصات بارز این دوره هستند و آنقدر در این زمان علاقم اختصاری وجود دارند که غالبا حتی برای تاریخ‌نگار نیز تشخیص آنها مشکل است. در این دوره سازمانها با چنان سرعتی جانسین یکدیگر می‌شدند و آنقدر متعدد بودند که حتی کسانی هم که در آن زمان عملا در این حوادث تاریخی شرکت داشتند، در توضیح تطور این علاقم و بازشناسی آنان دچار اشکال می‌شوند.

بجز مایاکوفسکی، اوسپ بریک ۱۶ و نیکلای پونین ۱۷ پیش‌کسوت تاتلین نیز سخن گفتند. پونین پایگاه هنر در اروپای قرون وسطی را با آرزوی تجدید حیات و تکرار آن در زمان معاصر تشریح کرد. او در سخنانش گفت: هنرمند امروز باید هویت قربانی بودن خود را تغییر دهد و اثر هنرش را از حالت تنها یک شیئی مورد ستایش و پرستش بودن بیرون بیاورد. ما هم‌اکنون ماده، حجم و ساخت "فرهنگ مواد" را که راهگشای هنر نوین کارگری است در اختیار داریم که خود باید مبشر تولدی نوین در هنر باشد. "در جامعه امروز طبقه کارگر با کوشش خود خانه‌های نوین، کوچه‌های نوین و وسائل زندگی نوینی خلق خواهد کرد... هنر طبقه کارگر دیگر آن محراب مقدس نیست که به نقش و نگار آن از سر سیری نگاه کنند؛ بلکه یک کارخانه نوین اشیاء هنری است" ۱۸.

ساختهای تاتلین با نام "مواد واقعی در فضای واقعی" گواه آن بود که این هنرمندان توانسته‌اند احتیاج خود را به اینکه سازندگان فعالی باشند آزادانه بیان کنند. آنها نقاشیهای خود "فعالیت‌های صوری" و رنگها و قلم‌موهای خود "ابزار بیهوده و از مد افتاده" را رها و خود را شادمانه وقف تجربیات نویشان کردند. این هنرمندان مغرورانه نسبت به فداکاری‌های ملازم با ضرورت زمان بی‌توجه بودند و فارغ از حال همشهریان خود که در مبارزه روزمره زندگی درگیر بودند، اینان با خیال آسوده مشغول تدارک آینده بودند و بزحمت اوضاع تیره و تاریک زمان خود را درک می‌کردند. البته با آنکه شرایط زندگی در نتیجه فلج شدن کامل روستاها و دشواریهای ترابری کالاها بسیار سخت شده بود، بهیچوجه نمی‌توان باور داشت که این هنرمندان از گرسنگی هلاک می‌شدند؛ زیرا آنان در پرتو آزادی بدست‌آمده و عظمت هدفی که برای خود تعیین کرده بودند کاملاً گیج و منگ شده بودند و توان آنرا داشتند که بی‌خبر از آنچه اطرافشان را گرفته بود به قهرمانانه‌ترین کارها اقدام کنند. آنها کاملاً به وظیفه خود در زمینه تغییر دنیایی که در آن زندگی میکردند، پرداخته بودند. بدون تردید این اولین بار در تاریخ است که به یک گروه هنرمند اینچنین نوپا امکان داده می‌شود که رویای خود را در مقیاسی چنین بزرگ تحقق بخشند.

پروژه‌های هنرمندان

در چهار سالی که بنام دوران "کمونیسم قهرمانانه" معروف است؛ این هنرمندان فرصت یافتند که موزه‌های هنر نوین را در سراسر کشور بنیاد کنند و مدارس طراحی را، طبق برنامه‌ای که بر اساس یافته‌های جدیدشان در نقاشی آبنسره ۱۹ پایه‌ریزی شده بود از نو سازمان دهند. این هنرمندان آذین‌بندی کوچه‌ها را به هنگام جشن‌های اول ماه مه و انقلاب اکتبر بعهده گرفتند و با اجراء نمایش‌هایی با حضور و شرکت توده‌های وسیع مردم، بقدرت رسیدن انقلابیون را بنمایش درآوردند. این خود وسیله‌ای نوین و مناسب بود برای اینکه خلق بتواند هویت واقعی خود را در آرمانش بیابد. هنرمندان با همین نحوه تفکر و در همان کوچه و بازار، دادگاه‌های نمایشی ترتیب دادند تا توده ناآگاه مردم را با اصول عدالت در شوروی آشنا کنند و یا آنکه با اجرای برنامه‌هایی عناصر ناباب و "دشمن خلق"

16. *OSSIP Brik*

17. *Nikolai Pounine*

۱۸ - نگاه کنید به یادداشت شماره ۱۱.

19. *abstrait(e)*

را نزد مردم حقیر کنند. با همین روش به آموزش مسائل ابتدائی به خلق پرداختند مثلاً به آنها اصول بهداشت، روش پرورش طیور، طریقه کشت گندم، راه بهتر نفس کشیدن و غیره... را آموختند. این تلاشها به روشنی نشان میداد که هدف انسان در حیطه کمال و کارگر شایسته در یک جامعه سالم، آرمان مشترک هنرمندان و رژیم کمونیست است.

یکی از مهمترین اجتماعات مردم؛ بزرگداشت اولین سالگرد انقلاب اکتبر بود. برای هرچه باشکوهتر برگزاری آن، هنرمندان در هر جا که بودند؛ در کیف^{۲۰}، ویتبسک^{۲۱}، پتروگراد^{۲۲} و مسکو، داوطلب می شدند که با همه امکانات خود در تدارک این رویداد سهیم شوند.

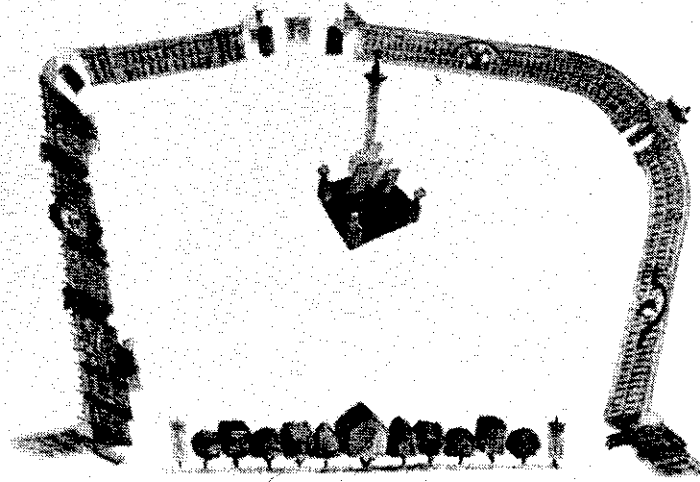
در پتروگراد که هنوز مرکز کشور بود، تدارک مقدمات این مراسم را ناتان آلتمن^{۲۳} بعهده گرفت. او برای اینکار میدان بزرگ قصر زمستانی را انتخاب کرد و در اختیار گرفت؛ ستون یادبود مرکزی را با مجسمه های عظیم آبستره زینت داد و پایه ستون را با یک ساخت فوتوریست پویا آراست. (تصاویر ۱ تا ۳). این آذین بگونه ای بود که ساختمانهای اطراف میدان در پشت ساخت های فوتوریست و کوبیست استتار شده بود. بیست هزار "آرشین"^{۲۴} متقال بعنوان پرده نقاشی برای تزئین میدان مصرف شد! آلتمن، پونی^{۲۵}، بوگوسلاوسکایا^{۲۶} و دوستانشان که به تزئینات تنها قانع نبودند؛ تصمیم گرفتند حمله جمعیت به قصر زمستانی و تسخیر آنرا با واقع گرایی کامل بنمایش درآورند (تصویر ۴). باین منظور یک گردان کامل از نظامیان را به همراه هزاران نفر از مردم عادی پتروگراد در این صحنه از نمایش شرکت دادند. نورافکن های بزرگی را که در آخرین لحظه در یک مغازه الکتریکی پیدا کرده بودند، پشت تخته بست صحنه که به سرعت ساخته شده بود نصب کردند. این چراغها ساخته های آبستره آلتمن را در آسمان به نمایش می گذاشت و به کل صحنه حالتی دراماتیک میداد. در تمرین نهائی بنظرشان رسید که کرنسکی^{۲۷} در این مجموعه حالت یک عروسک کوکی را دارد، بنابراین تصمیم گرفتند روی صحنه پنجاه نفر در نقش پنجاه عروسک کوکی همانند بگذارند که پنجاه بار همان حرکات را انجام دهند. در همین صحنه ارتش سرخ که روی یک تخته بست پائین تر (مثل صحنه های نمایش قرون وسطائی دوزخ و شیاطین) قرار داشت با تکبیر و غرور آدمکهای خودکار و مجلل ارتش سفید را از سر راه خود پس می زد و بدین ترتیب پس از آنکه ارتش سفید مغلوب شد، دو هزار سپاهی لشگر و کامیونهای ارتشی با سرعت از دروازه ها گذشتند و بسوی قصر حمله بردند. این صحنه با یک موسیقی سرسام آور و پرهیاهو که پیروزی انقلاب بلشویکی را با سر و صدا اعلام می کرد، همراه بود. مسئولین وقت مملکت که شاهد این نمایش بودند، با تصور اینکه چنین صحنه ای می توانست بوسیله گروه های مخالف و بطور واقعی بوجود آید؛ فرمانده گردان را که هیچ اطلاعی از موضوع نداشت، بجرم نگرفتن مجوز مواخذه کردند، در حالیکه هنرمندان بهیچوجه فکر نمی کردند که برای چنین اقدامی مجوز لازم است^{۲۸}!

20. Kiev 21. Vitebsk 22. Pétrograd 23. Nathan Altman

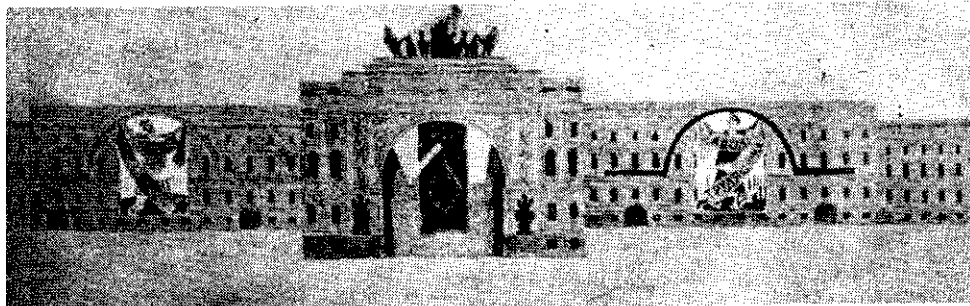
۲۴ - archine واحد سنجش طول در روسیه (معادل ۷۱ سانتی متر) . م .

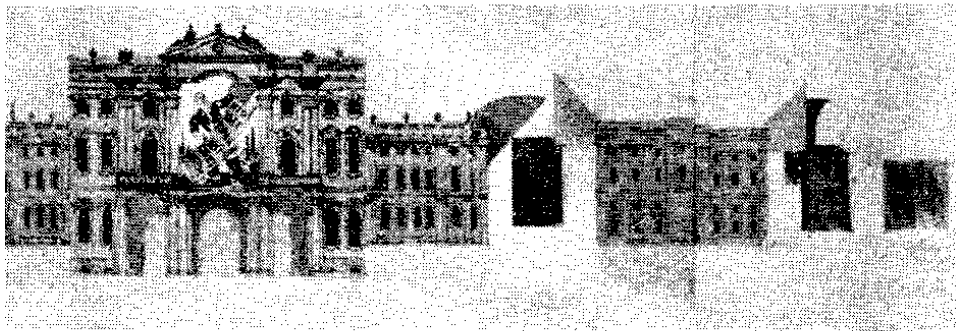
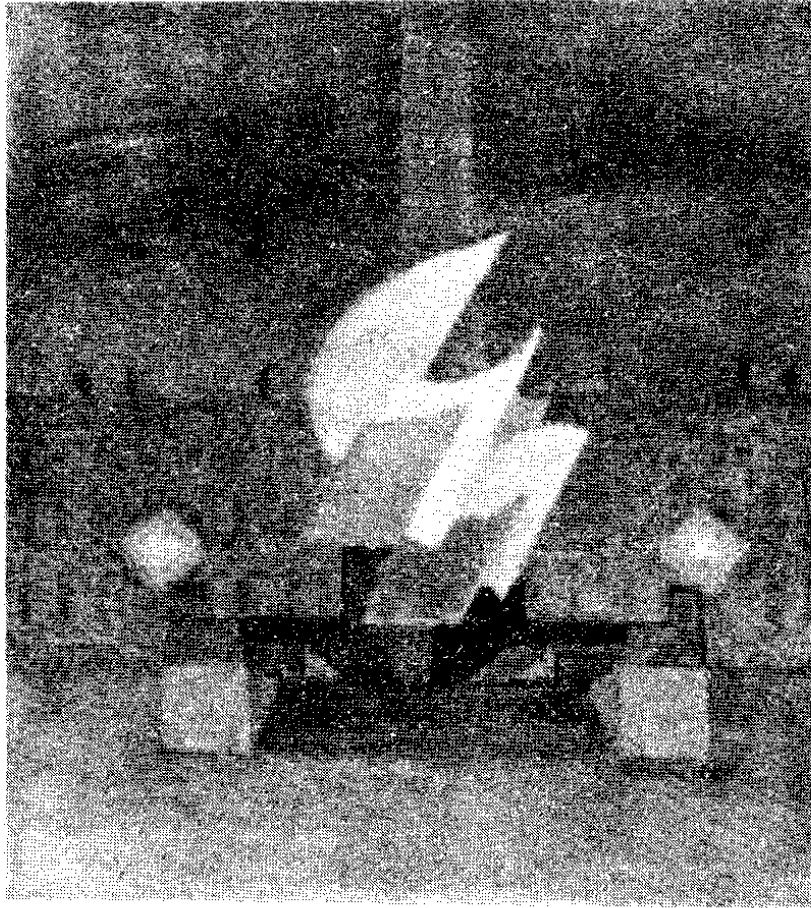
25. Pouni 26. Bogouslavskaïa 27. Kerenski

۲۸ - این توصیف را به برتولد لوبتکین Bertold Lubetkin معمار کنستروکتیویست constructiviste مدیونم که شخصا در این مراسم حضور داشته است.



تصاویر ۱ تا ۳- پروژه ناتان آلمن برای تزئینات میدان بزرگ مقابل
قصر زمستانی در پتروگراد، بمناسبت اولین سالگرد انقلاب اکتبر ۱۹۱۷





چراغ ۵۱